

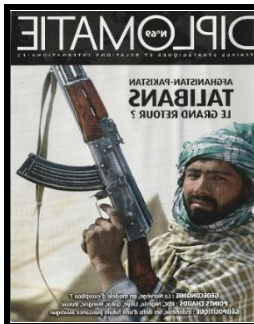


۲۰۱۷/۱۰/۱۷

مرجان کمال

طالبان افغان وارث رزمندگان ضد شوروی مشخص ساختن هویت سیاسی و اجتماعی یک میراث جنگ علیه شوروی ها

مترجم: فریده نوری کمال



یادداشت مترجم: مقاله ذیل را روان شاد مرجان عزیزم در ماه جولای ۲۰۱۴ میلادی نوشته بود و در مجله شماره ۹ دیپلوماسی (DIPLOMATIE) یکی از رسانه های معتبر فرانسوی چاپ پاریس نشر شده بود که من به خود جرئت دادم که آن را با درک اینکه به یک فرانسوی بسیار عالی و سیانتیفیک نوشته بود، ترجمه کنم و برای مطالعه خوانندگان برای نشر به وبسایت خواندنی و عزیز "آریانا افغانستان آنلاین" تقدیم دارم. اگر در ترجمه آن کوتاهی صورت گرفته باشد از روان پاک مرجانم طلب معذرت دارم. فریده نوری کمال

قسمت اول

- ❖ جنبش طالبان افغان برای استقرار سیاسی و اجتماعی خود، جنوب و جنوب شرق را در اختیار دارند.
- ❖ از سال ۲۰۰۳ توسعه و انکشاف شان از این سرزمین گواه توانا ساختن یک بنیان یا پایگاه نو برای جلب عضویت طرفداران که در اثر تضاد ها و دشمنی های چندین دهه خشونت مسلح به وجود آمده است.
- ❖ در سال ۲۰۰۱ اضلاع متحده و متحدین وی رژیم طالبان را به رهبری ملا محمد عمر سقوط دادند.
- ❖ از سال ۲۰۰۳ طالبان با دو گروه سیاسی مسلح دیگر همراه گردیدند که عبارت اند از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و حزب اسلامی جلال الدین حقانی، که سعی بهم پیوستن را در مناطق قبایلی پاکستان نمودند
- ❖ و از آنجا با رخنه نمودن با گروه های فعال، فعالیت های دهشت افگنی و وحشت را در داخل خاک افغانستان شروع کردند.

ظهور یا توجیه تحول سیاسی اجتماعی افغانستان در طی سه دهه اخیر جنگ، نشان دهنده ظهور و یا بروز جنبش طالبان در سال ۱۹۹۰ و پیشرفت دوباره آنها علیه دولت فعلی بعد از ۲۰۰۳.

تحلیل و تجزیه این تحول نشان دهنده این است که چطور جهاد تبدیل به یک عنصر مهم یا برجسته و قابل ملاحظه در فرهنگ سیاسی کشور می شود، که به صورت تنگاتنگ و پیچیده شکل وحشت و خشونت را به خود گرفته و طبقات مختلف اجتماع را یکی بر علیه دیگر قرار داده است.

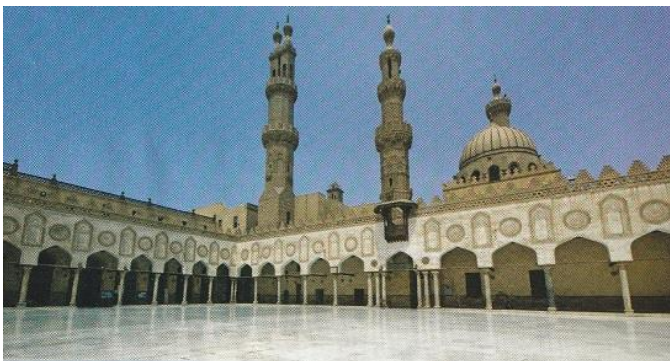


یکی از تانک های بجا مانده قشون سرخ در افغانستان

واقعیت یا جنبه تاریخی جنبش جهاد اسلامی:

در نیمه دوم قرن بیستم بنیادگذاری یک پروگرام نوسازی و ایجاد فابریکه ها و تولیدات باعث مهاجرت های بزرگ و وسیع روستا ها به شهرها گردید.

در سال های ۶۰ راه یافتن به تعلیمات عالی، نسل جدید برخواسته از تغییرات نو در روستاها، رول خیلی مهم و عمده برای وجود آوردن جنبش اسلامی در داخل پوهنتون کابل گردید.



یک تعداد آنها در پوهنخی شرعیات استادان تیولوژی یا علم الهیات بودند که تحصیل کرده پوهنتون الاظهر مصر، که در آنجا با اخوان المسلمین به تماس شده و نزدیک گردیدند. در بازگشت دوباره، در پوهنتون کابل باعث به وجود آوردن جنبش اسلامی گردیدند.

مسجد جامع پوهنتون الاظهر مصر

این نسل نو اسلام گراه یا اسلامیت باعث آوردن یک ایدیولوژی نو در پوهنتون کابل شده و تغییرات سیاسی اجتماعی توسط به راه انداختن یک جهاد مقدس یا جنگ مقدس بر علیه رهبری یا دولتی که به آن مرتد اطلاق و توسط خارجی ها کمک می شدند،

در سال ۱۹۷۳ رژیم شاهی توسط یک کودتا به سرکردگی سردار محمد داؤد خان، صدراعظم سابقه، پسر کاکا و شوهر خواهر پادشاه به راه انداخته شد، که به این ترتیب رژیم شاهی به جمهوریت تبدیل گردید.

به تعقیب به وجود آمدن این رژیم نو جمهوری فوراً بازداشت ها، بندی کردن ها و از بین بردن ها آغاز گردید که سبب فرار سران حزب اسلامی به طرف پشاور شد.

در سال ۱۹۷۵ اقدام به یک کودتای نافرجام و جهت گرفتن قدرت توسط احزاب اسلام گراه بار دوم سبب موج بازداشت ها و سرکوب عده ای گردید که باعث فرار شان شد.

به این تاریخ، اولین انشعاب یا تفرقه به سبب یک رقابت خصمانه در میدان سیاسی افغان در طول ۳۰ سال جنگ گردید. برهان الدین ربانی که به نسلی ارتباط می گیرد که در پوهنتون کابل استاد پوهنخی شریعت پوهنتون کابل و بنیانگذار جنبش اسلامی و سرکردگی حزب جمعیت اسلامی را به دست گرفت، و گلبدین حکمتیار که شاگرد پوهنخی انجیری سرکرده حزب اسلامی گردید.

این اولین رقابت دو نسل به زودی به تضاد قومی مبدل گردید.

جمعیت اسلامی برهان الدین ربانی آهسته آهسته به تاجک ها و از حزب اسلامی به پشتون ها متعلق می گردد.

پشتون ها قوم اکثریت را در افغانستان تشکیل می دهند و به تعقیب آن تاجک ها می آیند. اولی شامل دو مجتمع اصلی می باشد:

درانی ها که یک شاخه آن از سال ۱۷۴۳ قدرت را به دست دارند و دسته دوم غلزیی ها هستند.

و قبیله سوم در شرق در منطقه شرقی بین افغانستان و پاکستان می باشند.

در ماه اپریل ۱۹۷۸ حزب کمونیست، کودتا نموده و این رژیم نو شروع به یک نوع اصلاحات مخصوصاً در ارتباط به زراعت که نتیجه آن سبب بروز قیام مردمی شد، که این قیام مردم توسط رژیم کمونیستی به یک خشونت بی سابقه روبرو گردید.

در اخیر ماه اکتوبر ۱۹۷۸ شش ماه بعد از گرفتن قدرت توسط کمونیست ها در حدود صد هزار نفر به قتل رسید. این حالت بی ثباتی و ناپایداری که نتیجه آن مداخله مسلحانه مسکو در سال ۱۹۷۹ می باشد.

شهر پشاور پاکستان به مرکز سیاست و اقتصاد مجاهدین، که عبارت اند از مبارزین جهاد و مقاومت مسلح علیه اشغالگران.

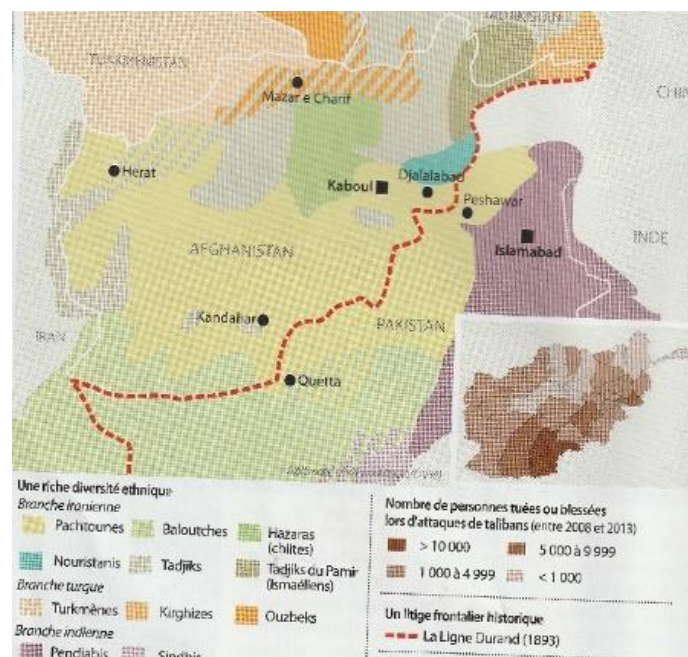
یک اتحاد مؤقتی بین مجاهدین در شروع سال های ۸۰ ساخته شد که متشکل از حرکت انقلاب اسلامی تحت اداره

مولوی محمد نبی محمدی، عضو ولسی جرگه قبل از جنگ ها، ضد کمونیست و یک عضو فعال و مهم در رابطه به شبکه مدارس یا مدرسه های قرآنی در جنوب و مرکز افغانستان.

اتحاد بزودی از بین رفت و مقاومت ضد شوروی از هفت حزب سنی مذهب که بنیان آن در پشاور گذاشته شد تشکیل گردید.

تقسیم بندی مناطق

در طول مقاومت و جنگ علیه شوروی ها، جنگ های چریکی علیه رژیم کمونیست از خشونت های زیاد طبقاتی - قومی و یا قبیله یی عبور کرده است، مجاهدین به دسته های مختلف تقسیم گردیدند.



قوماندان هایی که هر کدام یک گروه مسلح تحت قیمومیت داشتند و هر کدام از یک منطقه خاصی به خود را علیه اشغال گران دفاع می کردند که از هر کدام آنها به ذات خود یک شخصیت با قدرت نو به وجود آمد.

قوماندان های جمعیت اسلامی، سمت شمال را در سلطه خود داشت در حالیکه مناطق شرقی و غربی بین حزب اسلامی و جمعیت تقسیم گردیده بود.

مولوی جلال الدین حقانی خود را بالای مناطق جنوب شرقی تحمیل و همچنین شبکه طالبان به نام جبهه طلبا متعلق به حرکت انقلاب اسلامی در جنوب کشور نفوذ نمودند.

این تحول همراه با وحشت دوامدار بین تمام گروه های رقیب همراه بوده و تقویت شان یکی علیه دیگر توسط گروه های متخاصم که بازی های اقتصادی شامل آن می باشد دامن زده می شد.

به طور مثال در مناطق غربی مثل ولایت لغمان و کاپیسا، پشتون های مربوط به حزب اسلامی گلبدین حکمتیار که اکثراً کوچی های سابقه اند در این مناطق بین سال های ۶۰ - ۷۰ جا به جا شده اند و داخل مخالفت با بومی ها گردیدند که تاجک های مستقر در منطقه اند.

در ولایت وردک و ولایت اوروزگان مخالفت ها بین زارعین هزاره که اهل تشیع اند با پشتون ها که اکثریت شان احمدزایی و به صورت نیمه کوچی اند به وجود آمد.

تمامی ساختار این مخالفت ها و تضادها ارتباط خود را به بازی های اقتصادی و اجتماعی گرفته و نتیجه به وجود آمدن این نوع تضاد ها و مخالفت ها در سال های ۹۰ به قومیت گرایی ها و پالیدن هویت ها در مردم منتج گردید.

و از جانب دیگر به وجود آمدن پدیده خشونت های مسلحانه دسته جمعی ارتباط به وجود آمدن یک اقتصاد نو بازار گردید، که پشتیبان خشونت های مسلحانه می باشد.

پایان قسمت اول

ادامه دارد

